

فصلنامه تاریخ اسلام

سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، شماره مسلسل ۴۹

پیمان نامه مدینه، نمونه ای تاریخی در زمینه حل اختلاف

تاریخ دریافت: 88/12/22 تاریخ تأیید: 91/2/13

ترجمه و تدوین: دکتر شهلا بختیاری* / زهرا نظرزاده**

پیامبرک پیماننامه مدینه را که نخستین قانون اساسی مستند در حوزه اسلام است برای روشن شدن روابط ساکنان مسلمان و غیر مسلمان داخل مدینه و ارتباط با مردمان خارج مدینه تنظیم کردند. این پیماننامه در زمینه حل اختلاف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شیوهها و ابزار به کار رفته و پیشبینی شده در آن، سبب شده است که به عنوان یکی از کارآمدترین نمونههای حل اختلاف جلوه کند. مقاله حاضر در پاسخ به این پرسش طراحی شده است که در صورت مقایسه تطبیقی پیماننامه مدینه با رویکردهای جدید حل اختلاف در غرب، چه موارد مشابهی میان این دو رویکرد یافت میشود؟ فرض بر آن است که در هر دو مورد، با وجود تفاوت‌های فرهنگی کوشش میشود که اختلافها با رویکرد به تعیین میانجی که در پیماننامه مدینه، پیامبرک بودند، تقسیم اختلاف به مؤلفه‌های کوچک، تعیین اصول،

* استادیار تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء(س).

** کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء(س).

پذیرش نظام طراحی شده میانجیگری و پذیرفتن اقتدار بالاتر حل شوند. چنین ساختاری که نسبت به زمان خود بسیار مترقی بود در جامعه، صلحی ماندگار ایجاد کرد و در مقایسه با رویکردهای کنونی حل اختلاف در غرب، نه تنها ضعف ندارد بلکه در مواردی از آن قویتر طراحی شده است. چنین خصوصیتی در پیماننامه مدینه، آن را از یک پیمان محدود منطقی‌های خارج میکند و در ردیف پیشرفته‌ترین اصول حل اختلاف قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: پیماننامه مدینه، حل اختلاف، میانجی‌گری، عصر نبوی، تاریخ صدر اسلام.

مقدمه

این مقاله، پیماننامه مدینه را به عنوان نمونه‌های اولیه از میانجی‌گری و حل اختلاف در اسلام، تجزیه و تحلیل می‌کند. پیماننامه مدینه که اساس دولت - شهر مدینه^۱ (که حضرت

۱. اصل این مقاله برگرفته از سایت <http://www.informaword.com> از مجله

Taylor&francis با عنوان Islam and Christian- muslim Relations است.

مؤلف مقاله آقای یتکین بیلدیریم دکتر، استاد، دستیار تحقیقاتی در دانشگاه تگزاس در آستین، ایالت متحده آمریکا و معاون رئیس جمهور و عضو مؤسس گفت‌وگوی بین مذاهب

است. آثار وی عبارت‌اند از: *peace and conflict Resolution concepts in the*

Madina charter: A صلح و حل مناقشه در پیماننامه مدینه؛

historical case of conflict and Resolution پیماننامه مدینه، نمونه‌ای تاریخی در

زمینه حل اختلاف.

محمد 6 آن را تأسیس کرد) بود، نخستین قانون اساسی مدون و مکتوب در اسلام و قدیمی‌ترین قانون اساسی مستند در جامعه است. با این اوصاف پیمان‌نامه مدینه، سنتی قدیمی در بهره‌گیری از روش‌های اسلامی در حل اختلاف است. در این پیمان‌نامه، حقوق و وظایف همه ساکنان مدینه به طور کلی بیان شده است. همه شهروندان مسلمان و غیر مسلمان مدینه در آن تحت حفاظت و حمایت قرار گرفته‌اند و برای نخستین بار، عدالتخواهی از طریق قانون و جامعه صورت گرفته است نه از طریق فعالیت‌های نظامی قبیله‌ای. به علاوه این پیمان‌نامه، همسو با کوشش برای تنظیم و تعدیل اختلاف‌های قبیله‌ای که چندین نسل بر منطقه حاکم بود، به موارد اجتماعی در جامعه مدینه پرداخته است.

پیمان‌نامه مدینه را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از رویکرد اسلامی در حل اختلاف تلقی کرد که بسیاری از میانجیگری‌های به کار رفته در آن، امروزه هم کاربرد دارند. در مقایسه پیمان‌نامه مدینه با رویکردهای معاصر غرب در حل اختلاف، نقش ارزش‌های فرهنگی در تعیین روش حل اختلاف به شکلی

برخی از ابعاد این مقاله، مانند یکی دانستن ساختار مدینه به ساختار دولت شهر، تشبیه پیمان‌نامه به قانون اساسی و تحلیل‌های دلایل پذیرش پیامبر 6 در مدینه دارای اشکالات عمده‌ای است. اما با وجود چنین ضعف‌هایی در آن به خوبی جایگاه پیمان‌نامه مدینه را در اجرای عدالت و برقراری صلح نشان می‌دهد. (مترجمان)

مختصر بررسی می‌گردد و مفروضات مشترك که دارای انگیزه دستیابی به صلح هستند، می‌تواند دیده شود.

پیشینه تاریخی

شهر مدینه پیش از اسلام، یثرب خوانده می‌شد. ساکنان آن قبایل مختلف عرب، یهودی و اقلیت کوچکی از مسیحیان بودند. در اوایل قرن 7 م / 1 ه. ق جمعیت یثرب، ده هزار نفر برآورد شده است.¹ ساکنان عرب، مشرکانی بودند که منات، بت اصلی مکه را می‌پرستیدند. یهودیان یثرب در قرن 8 م / 2 ه. ق پس از آن که آدریان، امپراتور روم بیشتر یهودیان را از یهودیه اخراج کرد از فلسطین گریختند. ایشان به ده قبیله رقیب تقسیم می‌شدند که شاخص‌ترین آنها بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر و بنی‌قریظه بودند. به علاوه، تعدادی از یهودیان تحت حمایت برخی از قبایل عرب قرار داشتند. یهودیان روی هم نیمی از ساکنان یثرب را تشکیل می‌دادند. اعراب مدینه به دوازده قبیله تقسیم می‌شدند که شاخص‌ترین آنها اوس و خزرج بودند.² خصومت میان این قبایل، چندین نسل ادامه داشت. آنان صرف‌نظر از مسائل دینی از طریق سلطه نظامی بر دیگران در جست‌وجوی کسب قدرت بودند. تاریخچه طولانی تعدی و تجاوز، اسرای جنگی فراوانی به وجود آورد. به علاوه، موجب ادعاهای بحث‌انگیزی درباره خون‌بها شد که با خصومت‌ها رابطه وسیعی داشت. به رهبری

رسیدن حضرت محمد 6 پس از سال‌ها کشمکش و اختلاف در یثرب روی داد. پیامبر 6 به عنوان عضو جوان یکی از طوایف کوچک مکه در زمان آشفتگی مذهبی، کار خود را آغاز کرد. پیامبر 6 پس از نخستین وحی‌ها، خیلی زود پیروان زیادی پیدا کرد و به تدریج، تعداد مسلمانان در مکه افزایش یافت. در سال پنجم بعثت، مشرکان بر شدت آزار مسلمانان در مکه افزودند. احتمالاً به این دلیل که آنان می‌ترسیدند پیامبر 6، مسلمانان را برای قیام و در دست گرفتن رهبری شهر سازمان دهی کند، کوشیدند تا پیامبر 6 را قبل از این کار به قتل برسانند. این انگیزه مخاطره‌انگیز پیامبر 6 را مجبور کرد که در خارج مکه پناه جوید و جان خود را نجات دهد.^۱ از این رو پیامبر 6 به یثرب مهاجرت کرد. سفری که مسلمانان آن را هجرت نام نهادند. پس از این، دشمنان مکی او به عنوان مانعی در برابر حکومت او بر یثرب آشکار شدند. چندین نسل جنگ در مدینه به بسیاری از اعضای صلح دوست قبایل، خسارت فراوانی وارد

۱. ابن کثیر در *البدایة و النهایة* می‌نویسد: هنگامی که ابوطالب از تصمیم مشرکان قریش درباره قتل پیامبر 6 آگاه شد به فرزندان عبدالمطلب فرمان داد که از پیامبر 6 در شعب ابی طالب حفاظت کنند و این تنها به دلیل گریختن از مرگ نبود. بلکه هدف ایجاد پایگاهی برای مسلمانان و راهبردی برای گسترش اسلام بود. (ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۳، ص ۱۸۷).

کرده بود. تعدادی از این افراد در جست‌وجوی کمک نظامی از خارج بودند که فقط کشمکش‌ها را تشدید می‌کرد. بسیاری دیگر آماده شده بودند تا عبدالله ابن اُبی بن سلول را به حکومت برگزینند. با این حال، احتمال می‌رود رهبران مستقل هر قبیله نمی‌توانستند رهبری یک حاکم را بپذیرند. به علاوه، مشخص نبود که چنین حاکمی می‌تواند سازمان سیاسی داشته باشد و نیرویی نظامی برای دفاع از شهر ایجاد کند، خصومت‌های قبیله‌ای را فیصله دهد، حقوق و الزامات محلی را تعیین نماید و به مسائل ناشی از جمعیت فزاینده مهاجران پناهنده از مکه پردازد.^۳

در زمان ورود پیامبر 6؛ یعنی در نخستین سال هجرت، یثرب با بی‌نظمی روبه‌رو بود. شهر با قبیله‌گری و زور اداره می‌شد. سرانجام در سال 622 م / 1 ه. ق، قبایل یثرب با هم توافق کردند که به پیامبر 6 اجازه دهند به عنوان میانجی در منطقه عمل نماید و پیمان - نامه مدینه حاصل سرپرستی پیامبر 6 بر این شهر بود.

نگاه کلی به پیمان‌نامه

مطابق روایت‌های اسلامی، حضرت محمد 6 با پیروان خود و غیر مسلمانان مشورت کرد. همگی آنان در خانه انس ابن مالک جمع شدند و توافق کردند که جامعه خود را به صورت دولت - شهر سازمان‌دهی کنند. بدین ترتیب،

پیمان‌نامه مدینه به صورت يك پیمان عدم تعرضي (دفاعي) تنظيم شد. بیست و سه ماده آن، مهاجران مکه و مومنان یثربی را مورد خطاب قرار می‌داد، در حالی که قسمت دوم این سند خطاب به جامعه یهود بود. واضح است که این پیمان‌نامه به گونه‌ای طراحی شده بود که آرا و منافع تمامی گروه‌هایی را که در آن زمان با هم درگیر بودند، در برداشته باشد تا بدین وسیله صلحی ماندگار به ارمغان آورد.

این سند برای نخستین بار، این منطقه را به صورت دولت - شهر معرفی کرد و حقوق و وظایف شهروندان آن را تعیین نمود و برای نخستین بار ابزاری برای عدالتخواهی از طریق جامعه و قانون (در مقابله با درگیری‌های قبیله‌ای) ایجاد کرد.^۴ به این ترتیب، پیمان‌نامه مدینه ابزاری برای حل اختلاف شد. پیامبر 6 می‌توانست گروه‌های درگیر را گرد آورد، درباره خواسته‌ها و نیازهای هر يك از آنها بحث نماید و طرحی را اجرا کند که همه گروه‌های درگیر بپذیرند و به این ترتیب به اختلافی که مدت‌ها میان آنها وجود داشت، خاتمه دهد.

مطابق گفته حمیدالله، بررسی پیمان‌نامه مدینه به عنوان سندی تاریخی، تقریباً صد سال پس از رحلت حضرت محمد 6 با کوشش نخستین مورخان مسلمان؛ یعنی ابن اسحاق، ابو عبید و ابن ابی خیثمه آغاز شد. این تاریخ‌نگاران اصل پیمان‌نامه مدینه را کلمه به کلمه

نسخه‌برداری کرده و نسخه‌های صحیح و دقیقی جهت بررسی و تفسیر عالمان امروزی فراهم نموده‌اند.^۶

قاسم احمد (2007) در مقاله خود با عنوان «یادداشتی کوتاه بر پیمان‌نامه مدینه» توضیح می‌دهد که این پیمان، جامعه‌ای جمع‌گرا^۱ ایجاد ایجاد کرد که وظایف و حقوقی برابر به شهروندان دولت - شهر، صرف‌نظر از پیشینه اجتماعی و مذهبی متفاوت آنها، اعطا می‌کرد. بنا به گفته او، این پیمان‌نامه، نشان‌گر تأسیس نخستین دولت مدرن امروزی در جهان بود به این سبب که نظام شهروندی متحدی را به عنوان مردمی مستقل و متمایز از سایر مردم جهان مطرح نمود. بعدها این پیمان نامه در طول تاریخ اسلام از سوی بسیاری از جوامع، مانند عثمانیان به عنوان نمونه‌ای برای حل اختلاف استفاده شد.^۷ بنابراین، می‌توان آن را آغاز میانجی‌گری و سنت حل اختلاف دانست که قرن‌ها در جوامع اسلامی وجود داشته است. این سند انقلابی، پایه و اساس درک سیاسی

۱. جامعه جمع‌گرا the community نوع تعامل رفتاری بین افراد، گروه‌ها و یا اقوام مختلف اطلاق می‌شود که بر رفتار گروهی و تعامل گروهی استوار می‌شود. جمع‌گرایی بر جامعه و گروه متمرکز می‌شود. در صورتی که ساخت قبیله‌ای ساختی بی‌دولت بوده و اعضای قبیله در کار تولید و دفاعی وابسته به یک دیگرند و به طور مستقیم با مخاطرات زندگی روبه‌رو می‌شوند و از این رو متکی به خود هستند و نیازمند به طراحی ساخت جدید نیستند. (مترجمان).

ما از حکومت مدینه و نخستین قانون اساسی مدون و مکتوب در جهان است.^۷ به سبب این که پیمان نامه، مسئله برابری در جامعه‌ای کل‌گرا را مورد خطاب قرار می‌دهد، اغلب با متون سیاسی دموکراسی‌های بعدی مقایسه می‌شود. با این حال، سنت قانونی اسلامی را که پیمان نامه مدینه، معرف آن است نمی‌توان به عنوان چکیده اندیشه‌های اجتماعی غربی تلقی کرد.^۸ روش پیمان‌نامه ممکن است از بسیاری جهات، مشابه روش‌های نظریه‌های جدید حل اختلاف مانند براندازی، تمرکز بر روابط و اهداف و کوشش برای تغییر مفهوم قدرت در میان صاحبان قدرت باشد اما پیمان‌نامه مدینه را باید به عنوان یک سند متمایز اسلامی در نظر گرفت نه یک سند ابتدایی غربی.

به سبب شباهت‌های پیمان‌نامه مدینه و شیوه‌های کنونی حل اختلاف، در صورتی که تفاوت‌های فرهنگی این دو سنت به عنوان علم در نظر گرفته شود، فرضیه‌های مشترکی ارائه می‌دهند.

میانجی‌گری^۱

میانجی‌گری و سنت‌های حل اختلاف در جوامع اسلامی و غربی وجود دارد. از ابعاد گوناگونی می‌توان گفت که هر دو جامعه با توجه به لزوم میانجی‌گری، تلقی‌های مشترکی

i. Mediate.

از آن دارند اما شیوه میانجی‌گری، به گونه‌ای مشخص بر اساس بافت فرهنگی غالب تعیین می‌گردد.^۹ در فرهنگ غربی، اختلاف و کشمکش نتیجه اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی تلقی می‌شود و سنت‌های میانجی‌گری و حل اختلاف، منعکس‌کننده نگرش فرهنگی به مکتب اصالت فردی کاربردی است.^{۱۰}

رویکرد غربی به مسئله میانجی‌گری، اغلب بر نقش فردی تأکید می‌کند. این تأکید از طریق اشاره به وابستگی فرد به روش‌های حقوقی حل اختلاف است و وابسته به پروسه‌های قانونی و شهروندی است که از حقوق فردی دفاع می‌کند و زیان‌های افراد را جبران می‌نماید.^{۱۱} از سوی دیگر، رویکرد اسلامی مانند سایر رویکردهای غیر غربی تمایل دارد که بر اصلاح و حفظ روابط اجتماعی تأکید کند و اختلاف‌ها را به صورت موضوعی اجتماعی (نه موضوعی فردی) در نظر بگیرد.^{۱۲}

در حل اختلاف از شخص ثالثی دعوت می‌شود تا درباره اختلاف، حکمیت یا میانجی‌گری کند. با این حال، اشخاص ثالث در سنت میانجی‌گری اسلامی، اغلب نقشی بسیار متفاوت از اشخاص ثالث در سنت غربی ایفا می‌کنند. درباره پیمان نامه مدینه، می‌توان گفت که پذیرش حضرت محمد⁶ به عنوان شخص ثالث از زمینه‌های حاکم بر جریان اسلامی حل اختلاف است.

میانجی‌گری، عملی رایج در میان مردم سامی در زمان هجرت بود. یهودیان از روش‌های *sharah* (حکمیت) و *bitzuah* (میانجی‌گری) در تلمود،

تبعیت می‌کردند. در میان اعراب نیز معمول بود که اختلاف‌های خود را به حکمیت بیگانگان واگذار نمایند.^{۱۳} حمیدالله و دیگران دلایل متعددی را برای علت پذیرش نفوذ حضرت محمد 6 از سوی قبایل یثرب بیان می‌کنند.

پیامبر 6 در مکه به توانایی در میانجی‌گری شهرت داشت که این امر به سبب کمک او به حل اختلاف در مکه بود. به عنوان نمونه، قبایل متعددی در مکه، پیامبر 6 را انتخاب کردند تا سنگ بنای مقدس کعبه (حجرالاسود) را در جای خود قرار دهد و بدین وسیله، منازعه تلخ میان این قبایل حل شد. پیامبر 6 حتی هنگامی که تحت آزار و اذیت مشرکان قرار داشت، فریب پول و اشیای گران بهای مشرکان مکه را نخورده و در اموال آنها خیانت نکرده بود و به حق، مشرکان به او لقب «امین» داده بودند.

میانجی‌گری در جامعه اولیه اسلامی، بیشتر اوقات میان مشاجره کنندگانی بود که به طور قطع در آینده با هم روبه‌رو می‌شدند، این رو به رویی به سبب محل زندگی آنها و یا روابط خویشاوندی بود.^{۱۴} میانجی می‌تواند اعمال نفوذ کند و از اعتبار اجتماعی خود استفاده نماید تا طرف سرسخت و لجوج را وادار به پذیرش مصالحه کند،^{۱۵} میانجی‌ها از قدرت خود استفاده می‌کنند تا در روابط خویشاوندی، میزان ثروت، قدرت سیاسی، امتیازهای مذهبی و میانجی‌گری‌های موفق گذشته اعمال قدرت نمایند.^{۱۶}

از آن جایی که یثرب بدون رهبر بود و حضرت محمد 6 هیچ‌گونه رابطه‌ای با قبایل متخاصم یثرب نداشت، بنابراین وی فرصت یافت تا جایگاه میانجی را به خود اختصاص دهد. پیامبر 6 به هنگام مذاکره و تهیه پیمان‌نامه با رهبران قبایل مشورت کرد و اعتماد اولیه آنها را به دست آورد و تمایل خود را به شنیدن نیازهای همه قبایل نشان داد. مشروعیت او در میانجی‌گری و جایگاهش به عنوان رهبری محترم و ناظری بی‌طرف بود؛ زیرا که در سنت میانجی‌گری اسلامی برخلاف روش میانجی‌گری غربی، ارزش‌هایی چون «شرافت»، «شرم و حیا»، «متانت»، «موقعیت اجتماعی» و «عقاید مذهبی» همواره موارد مهم و قابل توجهی بوده‌اند.^{۱۷}

حضرت محمد 6 به حل و فصل درگیری به صورت حرفه‌ای توجه نداشت، با این حال عموماً از او درخواست می‌شد که اختلاف‌های میان قبایل یثرب را حل و فصل کند. ماهیت عمومی روش حضرت محمد 6 همان رویکرد اسلامی حل اختلاف است، به عنوان مثال در جوامع اسلامی اختلاف‌ها بیشتر میان گروه‌ها دیده می‌شود تا میان افراد.^{۱۸}

این فرض، ماهیت و حیطة حل و فصل اختلاف‌ها را معین می‌کند و توضیح می‌دهد که پیمان‌نامه مدینه چگونه توانست چنان اقتدار اجتماعی را ایجاد نماید. زمانی که رؤسای قبایل، حاکمیت این پیمان‌نامه را پذیرفتند، تصور شد که اعضای جوان قبایل، صرف‌نظر از مسائل

مذهبی، از رهبران خود پیروی می‌کنند و بدین وسیله توافقی ماندگار به وجود می‌آید. دیدگاه اخیر غربی، حل اختلاف را موضوعی خصوصی می‌داند و با آن به شکل حرفه‌ای برخورد می‌کند که میانجی‌ها اقتدار خود را از گمنامی و بی‌طرفی حرفه‌ای به دست می‌آورند، نه از طریق تمایلات و شهرت عمومی. از نظر این دیدگاه، میانجی‌گری «جریانی است که به واسطه آن، افراد دارای اختلاف به کمک فردی کاملاً بی‌طرف و به روشی نظام‌مند، موارد اختلاف را کنار می‌گذارند تا گزینه‌های دیگری را مطرح کنند و به توافق جامعی برسند که نیازهایشان در آن در نظر گرفته شده باشد».^{۱۹} مقایسه پیمان‌نامه مدینه با رویکرد غربی حل اختلاف، شباهت‌ها و تفاوت‌های خاص را میان روش‌های اسلامی و غربی حل اختلاف مشخص می‌کند.

تجزیه کردنⁱ

همان‌گونه که بسیاری از نظریه‌پردازان غربی در نظر گرفته‌اند، روند میانجی‌گری موفق، متضمن کنار گذاشتن نظام‌مند موارد اختلاف است.^{۲۰} روش فوق، همان جریان تجزیه است. این روش، در اصل به وسیله فولت (1942) تعریف شد و سپس به وسیله فیشر (1971) نام‌گذاری گردید. این رویکرد پیشنهاد می‌کند که يك اختلاف و

i. Analysis.

کشمکش بزرگ باید به مؤلفه‌های کوچک تقسیم شود تا بتوان آن را اداره کرد. در نگاه اول به نظر می‌رسد که تجزیه همان تصور فردی از روش حل اختلاف غربی است، در حالی که روند مشابه نظام‌مندی را در سنت اسلامی می‌توان در نظر گرفت. پیمان‌نامه مدینه از چهل و هفت بند تشکیل شده است که به طور فردی عوامل مختلف نزاع و اختلاف در یثرب را مورد خطاب قرار می‌دهد. بیست و سه بند اول، خطاب به مهاجران مسلمان مکی و مسلمانان یثرب است. بیست و چهار بند دوم خطاب به یهودیان، مسیحیان و سایر غیر مسلمانان جامعه است.

پیمان‌نامه مدینه نخست طرف‌های درگیر در منازعه یثرب را مشخص می‌کند. فیشر (1971) معتقد است که تعیین طرف‌های درگیر، هویت موارد فیزیکی فوری را نشان می‌دهد و اصول برجسته‌ای را پی‌ریزی می‌کند که از طریق آن می‌توان اختلاف را تجزیه کرد. معرفی طرفین اختلاف به طور خاص در بندهای چهار تا یازده روی می‌دهد. در این بندها آورده شده است که قبایل مسلمان باید مطابق سنت جدید، اسرای خود را آزاد کنند. در اینجا نام قبایل مسلمان مذکور نیز بیان شده است. بندهای بیست و پنج تا سی و پنج و بند چهل و شش به طور دقیق به افراد تحت الحمایه یهود در قبایل یهودی که با مسلمانان، یک جامعه را تشکیل می‌دادند، اشاره دارد.

حضرت محمد 6 با تعیین مرزهای فیزیکی شهر،

موارد فیزیکی فوری در یثرب را تعیین کرد. ابتدا در بند دوم، مردم یثرب به صورت «یک جامعه (امت) جدا از سایر مردم» تعریف شده‌اند. قبل از این اعلام، مرزهای یثرب مشخص نبود. هر قبیلله، منطقه و محدوده خاص خود را داشت و مجموع محدوده‌های قبایل منطقه، یک شهر واحد تلقی نمی‌شد. حضرت محمد⁶ مفهوم شهر بودن یثرب را در بندهای هفده و سی و نه تقویت نمود و به ترتیب اشاره کرد که «صلح مسلمانان غیر قابل تفکیک است» و «یثرب برای شرکت‌کنندگان در این توافق نامه، مکان مقدسی خواهد بود». هنگامی که یثرب به صورت جامعه‌ای واحد تأسیس شد، حضرت محمد⁶ به موضوع حمایت و عدالت عمومی توجه نمود. بندهای نوزده، بیست و یک، بیست و دو و چهل جریان قانونی را در یثرب تأسیس کردند. حق عدالت خواهی از افراد، معطوف به کل جامعه شد. مقرر گردید که در مواردی که بر اجرای عدالت تأثیر می‌گذارند، هیچ کس مجاز نیست که جانبداری کند یا به یکی از طرفین تمایل نشان دهد یا حتی سعی کند که پسر خود را از جریان قانونی خارج نماید.^{۲۱} برای شرکت‌کنندگان در این توافق، کمک به فردی که این قانون را می‌شکست، ممنوع بود. فرد قانون شکن در روز قیامت، مجازات الهی را می‌چشد. این پیمان‌نامه اعلام می‌کرد که قصاص قتل اعدام است، مگر این که بازماندگان مقتول توافق کنند که خون‌بها را

بپذیرند.

هنگامی که پیمان‌نامه مدینه، پاسخی متحد در مقابل تهاجم احتمالی خوانده شد، یثرب به عنوان يك شهر واحد تثبیت گردید. بند چهل و چهار طرفین را مقید می‌سازد که «در صورت هرگونه، حمله به یثرب از يك دیگر دفاع کنند و يك دیگر را یاری دهند». در صورت وجود چنین خصومت‌هایی، بندهای سی و هفت و سی و هشت، تقسیم هزینه‌ها میان مسلمانان و یهودیان را معین می‌کنند و به آنها توصیه می‌شود که در پی رهنمودها و مشورت‌های دو جانبه باشند.

تمهیدات حضرت محمد 6 برای عدالت عمومی و حفاظت از شهر، مسئولیت جمعی را تشویق و ترغیب کرد و آثار کشمکش‌های پیشین در تعیین قلمرو کنار گذاشته شد؛ زیرا دیگر نه مسئولیت قبیله‌ای، بلکه مسئولیت اجتماعی مورد تأکید بود.

بنابراین، پیمان نامه مدینه نشان‌گر نمونه‌ای از تجزیه است که دارای درک متمایزی از فرهنگ اسلامی در زمینه حل اختلاف است. این پیمان‌نامه، افراد را مورد خطاب قرار نمی‌دهد، بلکه خطاب به جوامع و قبایل است افراد را به حل مسائل فردی فرا نمی‌خواند، بلکه آنان را به ایجاد جامعه‌ای جدید دعوت می‌کند.

تعیین اصول دیگر، مفهوم جدیدی است که در زمینه میانجی‌گری در پیمان‌نامه مدینه مشاهده می‌شود. حضرت محمد 6 ارزش‌های عمیق و

پذیرفته شده اسلام و یهودیت را در این پیمان‌نامه به کار بست. بیست و سه بند اول توافق‌نامه به طور دقیق متوجه رفتار مسلمانان نسبت به افرادی است که پیمان‌نامه، آنها را «مؤمنان» می‌خواند. بندهای بیست و پنج تا سی و پنج، یهودیان و مسلمانان را به اتحاد برای تشکیل جامعه‌ای واحد فرا می‌خواند. این آرا به طرفین کمک کرد تا با هم به توافق برسند و نگاهی فراتر از ائتلاف‌های قبیله‌ای داشته باشند. فیشر^{۲۲} متذکر می‌شود که یک راه مؤثر جهت تعدیل تأثیر اصول متضاد، این است که «بپذیریم ما می‌توانیم به اصول خود وفادار باشیم، بدون این که اصرار داشته باشیم مخالفان ما به اصول خود وفادار نباشند». حضرت محمد⁶ به شهروندان جدید مدینه، هویت گروهی بخشید و در همان حال تفاوت‌های فردی آنها را به رسمیت شناخت.

پیامبر⁶ در ابتدا ارزش‌های مشترک میان قبایل را معین نمود و ارزش و اعتبار آنها را آشکارا تصدیق کرد. آنگاه در بند سی و هفت اعلام کرد که یهودیان و مسلمانان باید ضمن جنگیدن، هزینه‌های خود را تقبل کنند. این بند هویت مستقلی به هر مذهب بخشید، ضمن این که به افراد هر دو مذهب توصیه می‌کرد تا با هم به صورت جامعه‌ای واحد کار کنند. اتحاد مذهبی مسلمانان و یهودیان از تقسیمات قبلی میان قبایل جلوگیری کرد.

منافع - اهدافⁱ

یوری،ⁱⁱ برتⁱⁱⁱ و گلدبرگ^{iv} (1988) عامل اساسی دیگری را با عنوان برخورد منافع و قدرت معین می‌نمایند. آنها مشخص می‌کنند که مشاجره بر سر اختلاف در قدرت، اغلب به نزاع و کشمکش می‌انجامد و بالعکس، این منافع می‌تواند به صورت زمینه‌ای مشترک برای مذاکره عمل نماید.

ارزیابی هزینه‌های اجرایی، رسیدن به نتیجه مورد نظر، آثار روابط و تکرار موارد حل اختلاف نشان می‌دهد که به جای تمرکز اصلی بر حقوق یا قدرت، مؤثرتر است که بر منافع تمرکز کنیم.^{xiii} درک اهداف وابسته به هم می‌تواند به اندیشه‌های مشترک، ملاحظه‌های روشن فکرانه و خلاقیت منتهی شود. ویلموت و هاگر (2001) چهار نوع هدف پایه را توصیف کرده‌اند: فرایندی،^v محتوایی،^{vi} رابطه‌ای^{vii} و تعاملی.^{viii} پیمان‌نامه مدینه، زبان و بافت فرهنگی متفاوتی دارد اما بسیاری از ویژگی‌هایی را که ویلموت و هاگر^x بیان

i. Interests ° goals Relationship.

ii. Ury.

iii. Brett.

iv. Goldberg.

v. process.

vi. content.

vii. Relationship.

viii. Interactive.

ix. wilmut.

x. Hocker.

کرده اند در آن وجود دارد. این شباهتها بیان می‌کنند که با وجود برداشتهای فرهنگی خاص از میانجی‌گری در طول چندین قرن، فرضیه‌های مشترکی وجود دارد که محرك حل اختلاف است و ما را قادر می‌سازد تا صلح و حل اختلاف را به صورت مفاهیمی جهانی و ویژه شناسایی کنیم. رویکردهای مشابه و نیز متفاوت، منابع فرهنگی مردم را صورت‌بندی و ارزش‌گذاری می‌کنند.^{۲۴}

در پیریزی پیمان نامه مدینه، امری مشابه نوع نخست اهداف ویلموت و هاگر (2001)؛ یعنی «هدف فرایندی» را مشاهده می‌کنیم. این سند بلافاصله پس از آن که حضرت محمد 6 با رهبران گروه‌های مدینه مشورت کرد، به وجود آمد. حمیدالله^{۲۵} می‌نویسد که «اگر مسلمانان با گروهی توافق کنند و شرایط ویژه‌ای را بپذیرند، این دو افق در کل جامعه گسترده می‌شود تا زمانی که توافق مذکور منقضی شود». بنا بر سنت اسلامی، رهبران قبایل یثرب به اتفاق آراء، بندهای این سند را پذیرفتند و بنابراین کل جامعه را مقید به شرایط مذکور کردند.

نوع دوم اهداف ویلموت و هاگر؛ یعنی «هدف محتوایی» به موضوع و محتوای اختلاف و عدم توافق اشاره دارد. طرفین درگیر تصور می‌کنند که موقعیتهای متضاد آنها باعث خواهد شد که اختلاف آنها عمیق‌تر شود. هنگامی که ایشان، اهداف محتوایی متضادی را درک و دریافت می‌کنند، می‌پندارند که با

ادامه دادن به برخی کارها به موقعیت بسیار ناسازگاری خواهند رسید.^{۲۶} حضرت محمد 6 به اهداف محتوایی قبایل یثرب در بندهای چهار تا یازده به طور مستقیم توجه می‌کند. این اهداف محتوایی، مستلزم آزادی و رهایی همه اسرای جنگی قبایل است. به موضوع خون بها هم در بندهای سه تا هشت، دوازده الف و بیست و یک پرداخته شده است. بند نوزده پیمان نامه تأکید دارد که «مؤمنان باید انتقام خون افرادی را که در راه خدا کشته می‌شوند، بگیرند». باید توجه داشت که این تأکید، مسلمانان را به صورت یک قدرت مرکزی متحد کرد. بنا بر گفته حمیدالله^{۲۷} این اتحاد مجدد، یهودیان را واداشت که در پی «همکار حمایتی» در پیمان نامه باشند که این امر، روابط جدیدی را پیش روی قبایل گشود. سومین هدف وابسته به هم از نظر ویلموت و هاکر، «هدف رابطه‌ای» است. «اهداف رابطه‌ای تعریف می‌کنند که هر گروهی می‌خواهد گروه دیگر با آنها چگونه رفتار کند و میزان مطلوب وابستگی آنها به هم چه اندازه است». (آنها چگونه خود را به صورت یک واحد تعریف می‌کنند). به علاوه میزان تأثیر و نفوذ هر طرف بر دیگری، از طریق تعامل رابطه‌ای به دست می‌آید.^{۲۸} بند سیزده با بیان این که «مؤمنان متقی باید در مقابل افراد طغیان‌گر بایستند»، هدف رابطه‌ای را بیان کرده است. به عبارت دیگر، هر فردی (حتی اعضای خانواده) که در پی گسترش خصومت در میان

گروه‌های این توافق نامه باشد باید از جامعه اخراج شود. در بندهای بیست و سه تا سی و پنج به موضوع یهودیان پرداخته شده است و تأکید می‌شود در صورت بروز اختلاف مذهبی، طرفین توافق باید با حسن نیت با یکدیگر رفتار کنند.

سرانجام این که «اهداف تعاملی» باید به منظور حمایت از هویت هر فرد تأسیس شود. بند سی و هفت پیمان نامه اعلام می‌دارد که هر فردی باید هزینه‌های خود را بپردازد. به علاوه، در صورت حمله خارجی، افراد باید به یکدیگر کمک نمایند. این بند، هنگام بیان روابط در حال ایجاد مسلمانان و یهودیان به استقلال فردی گروه‌های مختلف قومی و مذهبی احترام می‌گذارد. ناپ،ⁱ پوتنامⁱⁱ و دیویسⁱⁱⁱ (1988) ادعا می‌کنند که روش تعیین روابط، کانون اوصاف و ویژگی‌ها را از گروه‌ها به روابط تغییر می‌دهد و به این وسیله به اصلاح موارد اختلاف کمک می‌کند.

حضرت محمد⁶ ائتلاف‌های نظامی - قبیل‌های بلند مدت را رد کرده است. در عوض، طرفین توافق باید روابط خود را در چهارچوب دینی در نظر می‌گرفتند. پیمان‌نامه مدینه به ساکنان یثرب اتحادی دوباره بخشید به طوری که آنها را از قبایلی جنگجو به پیروان دینی متحد تبدیل کرد و به این وسیله

i. Knap.

ii. Putnam.

iii. Davis.

خصومت‌های قبيله‌اي را فرو نشانند. اتحاد مجدد، خصومت‌های جدیدی در امور مذهبی ایجاد نکرد. در اصل، هویت افراد در یثرب به واسطه ائتلاف قبيله‌اي معین می‌شد. پیمان‌نامه مدینه آرایش‌های قبيله‌اي را دست نخورده باقی گذاشت، ضمن این که منبع هویت افراد را متوجه دین ساخت و به این وسیله به افراد امکان داد تا هویت خود را حفظ کنند و در عین حال از خصومت‌های قبيله‌اي دست بردارند.

قدرتⁱ

نظریه غربی حل اختلاف در یکی از اصول اولیه خود در پی تئوری حل اختلاف از طریق درک مفهوم قدرت است: «با وجود نشانه‌های عینی درباره قدرت نظیر منابع مالی، درک از قدرت خود و دیگری اغلب با هم مطابقت ندارد».^{۲۹} ویلموت و هاگر (2001) سه مفهوم از قدرت را تعریف می‌کنند که می‌تواند جایگزین داشته باشد: توزیعی،ⁱⁱ الحاقیⁱⁱⁱ و طراحی^{iv} شده.

قدرت توزیعی هنگامی است که طرفین درگیر، قدرت را به صورت یک منبع بده بستان تلقی می‌کنند. کسب قدرت توزیعی، یک گروه را قادر می‌سازد تا از مزایای اعمال قدرت بر دیگری

i. Authority - power.

ii. Distributive.

iii. Appendant.

iv. Design.

برخوردار باشند. بنابراین، قدرت توزیعی جلوی خلاقیت در حل اختلاف را می‌گیرد. قدرت الحاقی هنگامی است که حقوق و نیازهای طرفین درگیر، مهم‌تر از مسئله قدرت تلقی می‌شود. در قدرت طراحی شده، طرفین درگیر تسلیم اقتداری برتر می‌شوند که قدرت تصمیم‌گیری دارد. در حل اختلاف، قدرت‌های الحاقی و طراحی شده بر قدرت توزیعی اولویت دارند. بنا بر گفته یوری، برت و گلدبرگ (1988)، قدرت الحاقی نتیجه روشن، مؤثر و مناسب تأکید در جریان حل اختلاف است. در سنت اسلامی حل اختلاف، هدف این نیست که روابط نامتقارن قدرت را تغییر دهیم، بلکه هدف فرونشاندن اختلاف است.^{۳۰} در رویکرد غربی حل اختلاف، قدرت توزیعی به قدرت الحاقی تبدیل می‌شود و قدرت طراحی شده مستلزم این نیست که نابرابری‌های موجود در قدرت را مورد توجه قرار دهد. بنابراین پیمان‌نامه مدینه را با توجه به اصطلاحات غربی می‌توان به عنوان فرونشاندن مسائل مربوط به قدرت تلقی کرد. این پیمان‌نامه تأکید خود را از تفاوت‌های قدرت میان گروه‌های درگیر، متوجه قدرت و اقتدار مرکزی کرد. با نظریه (امت)، حضرت محمد 6 قدرت توزیعی را به قدرت الحاقی تغییر داد. بند سی و هفت پیمان‌نامه به طور خاص به تأثیر دو جانبه مسلمانان و یهودیان اشاره می‌کند و اعلام می‌دارد که مسلمانان و یهودیان باید در پی رهنمودها و مشورت‌های دو جانبه باشند

و وفاداری نقطه مقابل خیانت است و مورد حمایت جامعه قرار دارد. بند چهل و چهار، گروه‌ها را مقید می‌سازد تا در صورت هرگونه حمله به یثرب به یکدیگر کمک کنند. بند چهل و پنج، رفتار معین در یک نمونه خاص از تأثیر دو جانبه را مشخص می‌کند. در این بند بیان شده است که اگر یهودیان به صلح فرا خوانده شوند و این صلح را حفظ کنند، باید این کار را بپذیرند و اگر یهودیان تقاضای مشابهی از مسلمانان داشته باشند، باید این تقاضا برآورده شود.

پیمان نامه مدینه نیز قدرت توزیعی را به اقتدار برتر تفویض کرده بود، بنابراین جهت قدرت را تغییر می‌داد. اشاره به مقام برتر در بندهای بیست و سه و چهل و دو هم تکرار شده است. در این بندها به طور دقیق اعلام شده است که در منازعه‌های آینده «باید به خداوند و حضرت محمد 6 رجوع کرد». در حالی که این کار، شیوه مؤثری در حل اختلاف است اما قدرت توزیعی هم چنان باقی می‌ماند. برای کاستن از این پیچیدگی بالقوه، پیمان نامه مدینه افراد را متوجه وابستگی آنها به یکدیگر کرد. بندهای پانزده و هفده ساکنان مدینه را از منازعه‌های مستقل باز داشتند و تأکید کردند که حمایت خدا یکی است، همان‌طور که صلح مؤمنان یکی است. بند شانزده، یهودیان را هم شامل این حمایت کرده است.

ساختار بندي مجدد قدرت به وسیله پیمان

نامه مدینه، برای حصول صلحی ماندگار در یثرب لازم بود. مامبی^{۳۱} ادعا می‌کند که ساختار قدرت تعیین می‌کند که چه اهدافی برای ایجاد ساختار جامعه با هم ترکیب خواهند شد و بر این باور است که زمانی که این منافع به بخشی از ساختار سازمانی تبدیل شدند، آنگاه این ساختار به طور هم‌زمان میانجی‌گری می‌کند و دوباره منافع مذکور را تولید می‌نماید. بر این اساس با تثبیت جهت‌گیری‌های قدرتهای الحاقی و تقویت وابستگی متقابل از طریق تخصیص قدرت، این پیمان‌نامه می‌توانست اهداف خود را در یثرب تکمیل نماید.^{۳۲}

نتیجه

پیمان‌نامه مدینه نمونه‌ای از روش حل اختلاف در آغاز تاریخ اسلام است که با فرهنگ اسلامی تناسب دارد. روش‌های غربی حل اختلاف و میانجی‌گری در غرب نباید این سنت اسلامی را تهدید و یا آن را تعریف کنند؛ زیرا این دو فرهنگ ممکن است که میانجی‌گری را به صورت متفاوتی تعریف کنند، اما مقایسه این دو نشان می‌دهد که هماهنگی عمیقی میان هر دو روش حل اختلاف وجود دارد. طبیعی است که «مکتب‌های دینی متفاوت، حل اختلاف را از زاویه خاص خود می‌نگرند و به برخی ارزش‌ها و اندیشه‌ها در مقایسه با موارد دیگر اولویت می‌بخشند».^{۳۳}

با تجزیه و تحلیل شباهت‌های میان

رویکردهای تجزیه کردن، تنظیم هدف، توازن قدرت و رویکرد اسلامی پیمان‌نامه مدینه، فرضیه‌های اساسی مشترک این دو رویکرد آشکار می‌شود. درک روش‌های حل اختلاف سنت اسلامی در مقایسه با روش‌های میانجی‌گری غربی می‌تواند الهام بخش میانجی‌گری مستمر دنیای فرهنگی جهانی باشد.

پیمان‌نامه مدینه (622 م / 1 هـ)

بسم الله الرحمن الرحيم

این سندی از حضرت محمد 6 است که بر روابط میان مؤمنان، مسلمانان قریش و یثرب، افرادی که از آنها پیروی کرده، به آنها ملحق شده و با آنها کار کرده‌اند، حاکم است. آنها یک جامعه (امت) هستند جدا از سایر مردم.

مهاجران قریش بر طبق سنت کنونی خود بر اساس تعدادشان خون بهای خود را خواهند پرداخت و اسرای خود را با عطوفت و عدالت (که ویژگی مشترک مؤمنان است) آزاد خواهند کرد.

4 - 8. بنی عوف بر طبق سنت کنونی خود،

خون بهایی را که در زمان جاهلیت می‌پرداختند، خواهند پرداخت. هر بخشی اسرای خود را با عطوفت و عدالت (که ویژگی مشترک مؤمنان است) آزاد خواهد کرد. بنی سعید، بنی حارث، بنی جوشم و بنی نجار هم شامل موارد بالا می‌شوند.

9 - 11. بنی عمر، بنی عوف، بنی نبیت و

بنی اوس هم شامل موارد بالا می‌شوند.

- 12 - الف. مؤمنان هیچ فردی را در میان خود با نپرداختن بهای آزادی یا خون بهای او، تهی دست نخواهند کرد.
- 12- ب. مؤمن به بهای اتحاد و حمایت، آزادی مسلمان دیگری را از او سلب نخواهد کرد.
13. مؤمنان متقی در مقابل ناآرامی یا کسی که در پی گسترش بی‌عدالتی، گناه، خصومت یا فساد میان مؤمنان است، خواهند ایستاد. هر فردی باید علیه این افراد بایستد، حتی اگر چنین فردی پسر خودش باشد.
14. مؤمن، فرد مؤمن دیگری را به خاطر فرد غیر مؤمن نمی‌کشد و به فرد غیر مؤمن که در مقابل فرد مؤمن است، کمک نمی‌کند.
15. حمایت خدا یکی است، کم‌ترین آنها ممکن است حمایت از یک بیگانه باشد. مؤمنان دوستان یک دیگرند و جدا از افراد دیگرند.
16. یهودیانی که از ما پیروی می‌کنند از کمک و برابری برخوردار می‌شوند. آنان به کسی ظلم نخواهند کرد و کسی هم نباید به دشمنان آنان کمک کند.
17. صلح میان مؤمنان جدایی‌ناپذیر است. هنگامی که مؤمنان در راه خدا می‌جنگند هیچ صلح منفردی منعقد نخواهد شد. شرایط باید برای همه منصفانه و برابر باشد.
18. در هر حمله‌ای سوارکاران باید یکدیگر را حمایت کنند.
19. مؤمنان باید انتقام خون فردی را که در راه خدا کشته می‌شود، بگیرند.

20. الف. مؤمنان متقی از بهترین و درست‌ترین رهنمودها بهره‌مند می‌شوند.
20. ب. هیچ مشرکی دارایی یا افراد قریش را تحت حمایت و حفاظت خود قرار نخواهد داد، به علاوه هیچ مشرکی نباید در امور مؤمنان مداخله نماید.
21. هر فردی که مؤمنی را بدون دلیل بکشد، قصاص خواهد شد. مگر این که (با پرداخت خون بها) رضایت بازماندگان را جلب کند. مؤمنان علیه چنین فردی خواهند بود و خود را مقید به انجام اعمالی بر ضد او می‌دانند.
22. مؤمنی که به مفاد این سند اعتقاد دارد و معتقد به خدا و روز جزا است نباید به فرد بدکار کمک کند یا به او اسکان دهد. اگر مؤمنی چنین کاری را انجام دهد، نفرین و خشم خدا در روز رستاخیز نصیب او خواهد شد و هیچ توبه و عذر و بهانه‌ای از او پذیرفته نمی‌شود.
23. هر زمانی که در مورد مسئله‌ای اختلاف پیدا کردید، باید به خداوند و حضرت محمد ⁶ رجوع کنید.
24. یهودیان تا زمانی که در کنار مؤمنان می‌جنگند به پرداخت هزینه‌های جنگ کمک خواهند کرد.
25. یهودیان بنی عوف با مؤمنان جامعه‌ای واحد هستند. (هر یک از یهودیان و مسلمانان دین خود را دارند) بردگان آزاد شده و افراد آنها جامعه واحدی را با مسلمانان

تشکیل می‌دهند، به جز آنهایی که غیر منصفانه رفتار و گناه می‌کنند. این افراد به خود و خانواده‌هایشان صدمه خواهند زد. 26 - 35. مطالب بالا یهودیان بنی نجار، بنی حارث، بنی سعید، بنی جوشم، بنی اوس، بنی ثعلبه، و جفنه (عشیره‌ای از ثعلبه) و بنی شطیبه را نیز شامل می‌شود. وفاداری و امانت موجب حفاظت از فرد در مقابل خیانت است. بردگان آزاد شده ثعلبه، مثل خودشان (سایر افراد ثعلبه) هستند. دوستان نزدیک یهودیان، مثل خودشان هستند.

36. هیچ فردی جز با اجازه حضرت محمد 6 به جنگ نخواهد رفت، اما اگر فردی بخواهد انتقام زخم‌ها و جراحت‌های خود را بگیرد، جلوی او گرفته نمی‌شود. کسی که بدون جنگ، شخص دیگری را می‌کشد، خود و خانواده خود را به کشتن داده است، مگر این که فرد مقتول به او ستم کرده باشد. در این صورت خداوند عمل او را می‌پذیرد.

37. یهودیان باید هزینه‌های خود را تقبل کنند و مسلمانان هم باید هزینه‌های خود را پردازند. هر یک از آنها باید در مقابل فردی که به اشخاص مذکور در این سند حمله می‌کند به دیگری کمک نماید. آنها باید در پی رهنمودها و مشورت‌های دو جانبه باشند و وفاداری آنها باعث حمایت از آنها در مقابل خیانت می‌شود. فرد در مقابل خطا و اعمال بد متحدان خود مسئول نیست. باید به فرد منحرف شده کمک کرد تا به راه راست هدایت شود.

38. یهودیان باید تا زمانی که جنگ ادامه دارد، همراه با مؤمنان هزینه‌های جنگ را بپردازند.
39. یثرب برای افراد این سند جایگاه مقدسی خواهد بود.
40. بیگانه‌ای که هیچ صدمه‌ای نمی‌زند و هیچ جرمی مرتکب نمی‌شود، میزبان خانه خود و تحت حمایت این پیمان نامه خواهد بود.
41. زنان فقط با رضایت و اجازه خانواده‌های خود تحت حمایت و حفاظت قرار خواهند گرفت.
42. اگر احتمال دارد که بحث یا اختلافی موجب دردسر شود باید با مراجعه به خداوند و حضرت محمد رسول الله⁶ حل شود. خداوند در این سند آن چه را که خوبتر و زاهدانه‌تر است، می‌پذیرد.
43. قریش و حامیان آنها از حمایت مذکور برخوردار نخواهند شد.
44. طرفین قرارداد مقید هستند تا در صورت هرگونه حمله به یثرب به یکدیگر کمک کنند.
45. الف. اگر آنها (یهودیان) به صلح فرا خوانده شوند و این صلح را حفظ کنند باید به همین روش عمل کرد و اگر آنها تقاضای مشابهی از مسلمانان داشته باشند باید این تقاضا انجام شود، مگر در مواردی که جهاد مطرح باشد.
45. ب. هر کسی باید سهم خود را از متعلقات خود دریافت کند.

46. یهودیان العوس و بردگان آزاد شده آنها جایگاهی برابر با افراد این سند دارند و به افراد این سند وفاداری کامل خواهند داشت. وفاداری موجب حمایت و حفاظت در برابر خیانت است. هر کسی که چیزی را به دست می‌آورد، متعلق به خودش است. خداوند این سند را تأیید می‌کند.

47. این سند از افراد ظالم و گناهکار حمایت نمی‌کند. فردی که به جنگ می‌رود و فردی که در شهر در خانه خود می‌ماند در امنیت به سر می‌برند، مگر این که ستم کنند یا گناه کنند. خداوند حامی افراد نیک و متقی است و حضرت محمد، رسول خدا 6 است. تاکنون کتابها و مقالات دیگری درباره پیمان‌نامه مدینه نوشته شده است که عبارت‌اند از:

1. آیت الله جعفر سبحانی تبریزی، **فروغ ابدیت (زندگینامه حضرت محمد 6)**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، 1351.
2. سید جعفر شهیدی، **تاریخ اسلام**، چاپ سی و پنج، تهران: انتشارات مرکز دانشگاهی، 1383.
3. علی بیات، **قدریه تاجبخش، وثاقت پیمان‌نامه مدینه**، مجلات قرآن و حدیث، پژوهش دینی، 1386، شماره 15.
4. آکیراگوتو، **قانون نامه مدینه**، ترجمه شهلا بختیاری، مجلات فقه، کلام و عرفان، کیهان اندیشه، آذر و دی 1376، شماره 75.
5. مهدی پور حسین، **قانون‌مندی در حکومت نبوی**،

مجلات فقه و اصول حکومت اسلامی، 1385، شماره 42.

هر کدام از آثار ذکر شده از ابعاد دیگری به پیمان نامه مدینه پرداخته‌اند و تاکنون تألیفی که مانند مقاله پیمان نامه مدینه، نمونه‌ای تاریخی در زمینه حل اختلاف، نوشته‌ی تکین ییلدیریم، این موضوع را به صورت مقایسه‌ای بررسی کرده باشد، نوشته نشده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پینوشتها

1. M,Hamidullah (1994) the first written constitution in the world: An important Document of the time of the Holy prophet, Lahore, Ashraf printing press, pp 28.
2. Hamidullah, 1994.
3. Hamidullah, 1994.
4. Hamidullah, 1994.
5. Hamidullah, 1994.
6. H.M, Senturk (1992), osmali Develetinde Bulgar Mesele, Ankara: Turk Tarih kurumu publication. Hamidullah, 1994, pp28.
7. A.y, Al-Hibri (1992) Islamic constitutionalism and the concept of democracy, case western Reserve journal of international Law, 24(1), pp1-27.
8. Avruch (1998) culture and conflict Resolution,Washington DC: United states institute of peace. D.W, Augsburg (1992) conflict Mediation a cross cultures, Louis Ville, KY: Westminter/john knox press.
9. A.A,Said,N.C,Funk and A.C,Kadayfci(2001)peace and conflict Resolution in Islam,Washington,DC:university press of America
10. M.Abu-Nimer(1996)conflict Resolution approaches:Western and Middle Eastern lesson and possibilities,American,journal of Economics and sociology,55(1),pp 35-52.
11. Said 2001.
12. M.Hamidullah,1994,.
- 13 .S.E,Merry(1989)Mediation in nonindustrial societies SanFrancisco CA:jossy-Bass,pp68-90.
14. S.E,Merry1989,pp83.
15. S.E,Merry1989,pp81.
- 16 .M,Abu-Nimer1996.
17. M,Abu-Nimer1996.
18. Folberg and A,Taylor(1984)Mediation:A comprehensive Guide

to Resolving conflict without litigation, San Francisco, CA: Jossey-Bass publishers, pp7.

19. W.W, Wilmot and J.L, Hocker (2001) interpersonal conflict, New York: MCGRAW-Hill. M.K, Mill and S.S, Nagle (1991) systematic Analysis in Dispute Resolution, New York: Quorum Book.

20. M. Hamidullah, 1994, pp 28.

21. R, Fisher (1971) Fractioning conflict, inc. G. Smith (ed) conflict Resolution: contributions of the Behavioral sciences, pp 162.

22. W. Ury, J.M, Brett and S.B, Goldberg (1988). Getting Dispute Resolved: Disputing system to cut the costs of conflict, San Francisco, CA: JOSSEY-Bass.

23. C, Funk and A.A, Said (2008) Islam and peacemaking in the Middle East, Boulder, CO: Lynne Rinner, pp58.

24. M. Hamidullah (1993) the Emergence of Islam: Lectures on the Development of Islamic world-view, intellectual tradition, and polity, Islamabad: Islamic Research institute, pp217.

25. W.W, Wilmot (2001), pp 69.

26. M. Hamidullah, 1994, pp 22.

27. W.M, Wilmot and J.L, Hocker 2001, pp70.

28. W. Ury 1998, pp8.

29. M. Abu-Nimer 1996.

30. Communication and (1998) Mumby, K.D. ideology and, Discourse: organization. 67 pp, Lblex: Nj, Nor Wood Domination.

31. Peace and conflict Resolution in the Medina (2006) Yildirim, Y 31. 11-109 pp, 18, A journal of social justice, Charter.

32. Pp, (2008) Said, A funk and A, C.N.

۳۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۱۴۳ - ۱۴۴.